



معترضان جهان؛ چهره سال مجله تایم

## مردم سوژه گی!

مجله تایم وجابجاشدن سوژه های تاریخی

مجله هفتگی تایم\* شخصیت سال خود را به معترضان جهان اختصاص داده است. اقدامی که بقول گزارشگری بی سی در 84 سال عمر این نشریه بی سابقه بوده است. بطور معمول سوژه های سال از میان نخبگان سیاسی، اجتماعی و علمی و هنری و... برگزیده می شدند. مثلاً در عرصه سیاسی افرادی هم چون لینکلن و استالین و کندی و اوباما ویا در برهه ای هیتلر و خمینی و نظایر آن به عنوان کسانی که بیشترین تأثیر را-نه الزاماً مثبت- در یکسال گذشته داشته اند برگزیده شده اند. با این همه امسال-2011- در اقدامی بی سابقه توسط این نشریه این انبوهه و بی شماران هستند که به عنوان چهره سال مهمترین عامل تغییرات شگرف اختصاص داده اند. بر اساس گزارش همراه نشریه، در سال گذشته سراسر جهان در خاورمیانه و جایی که تغییر ناپذیر تلقی می شد، پائین کشیدن دیکتاتورها در کشورهای عربی و اعتراضات مردم اسرائیل و به خیابان آمدن متعرضین در اروپا و در یونان و لندن و... و تا جنبش وال استریت با میلیونها حامی که در پی بحران مالی و مخالفت مجلس نمایندگان با وضع مالیات بر ثروتمندان شروع شد، و در مرکزیک و روسیه و نقاط بسیار دیگری، بزرگترین اعتراضات قرن را رقم زده اند. گزارش تایم با عبارت معنادار و در عین حال طنزگونه ای علیه ادعای "پایان تاریخ" به پایان می رسد: معترضان با اعتراض خود هم چنان تاریخ را خواهند ساخت و تا معترض هست تاریخ ادامه خواهد داشت!

بی گمان همیشه عامل اصلی دگرگونی های ژرف تاریخی و دستاوردهائی نظیر لغو بردگی، رهائی سروها و رعایا و دهقانان فقیر و زنجیر شده به مناسبات فئودالی و یا طلوع عصر دموکراسی و روشنگری و دست آوردهای مبارزه علیه بردگی و تبعیض جنسیتی، علیه تقسیم جهان به قطب شمال و جنوب و فقیر و عقب مانده (حاشیه و مرکز) و علیه بردگی مزدی در نظام سرمایه ویا علیه جنگ و تخریب محیط زیست، و انرژی هسته ای و زرادخانه های اتمی... محصول اعتراضات، قیام ها و شورش ها و به میدان آمدن توده های معترض بوده است. اما آنها این نقش مترقیانه خود را زور زانه و عموماً بطور غیر مستقیم و با وساطت میانجی گرانی چون ایدئولوژی و خدا و شاه و میهن و... ویا هم چون رهبران و سازمانها و احزاب پیش می برده اند (صرف نظر از مقاطعی که به دنبال رهبران و پیشوایان ویا بدام ایدئولوژی های واپسگرا افتاده اند و بطور کامل به زائده و ابزار اهداف طبقات واپسگرا و ارتجاعی تبدیل شده و در نقش ضدتاریخی ظاهر شده اند). اما نباید فراموش کرد که تحولات و اعتراضات جنبش های جدید با یک تفاوت عمده و یک ویژگی بزرگ یعنی نقش آفرینی مستقیم سوژه های

خودرهان، فارغ از دخیل بستن به میانجی همراه است که بدون تأمل برروری آن قادر به معنای ورق خوردن تاریخ و خصوصیت اصلی جنبش های جدید نخواهیم شد. عصر بیداری بزرگ و عصر انقلاب فنی - اطلاعاتی - ارتباطی در فاز جهانی شدن موجب جابجائی سوژه هاشده است (همانگونه که زمانی مثلا راه آهن و یا خطوط ارتباطی چنین نقشی را ایفاء کرده اند). چنین تحولی موجب تغییرات شگرفی در ابعاد اعتراضات و عمق مطالبات و نوع سازمان یابی شده است. امروزه دیگر بیرون از سوژه ها و بر فراز آنها نمی تحولات جهانی را رصد کرد. بابه میدان آمدن این سوژه ها، عصر دخیل بستن توده های تاریخ ساز به میانجی گران و قهرمانان نجات بخش که حاصلی جز تبدیل شدن سوژه های واقعی و تاریخ ساز رو باقول نهاده است. ناگفته نماند که میانجی های تاریخی نظیر رهبران و احزاب و نمایندگانی که جایگزین اراده و خواست بی شماران سوژه های اصلی می شده اند، و عموما هم انقلاب و مطالبات آنها را مصادره و مسخ می کرده اند بی نیاز از توده نیستند. اما جوامع طبقاتی و مبتنی بر نخبه گرایی نیازمند توده های یک شکل و یک نواختی هستند که هم حکومت پذیر باشند و هم خود قادر به خود حکومتی نباشند و لاجرم قدرت و اختیار خود را - در بهترین حالت به نحو صوری و از روی رضایت و دواطلبانه به میانجی گران و یا نمایندگان خود تفویض می کنند و خود در نقش کنش پذیران بی خاصیت و دنباله رو باشند. همانطور که اشاره شد تنها باین شیوه است که توده ها حکومت پذیر می شوند و می توان بر آنها حکم راند. تفاوت بزرگ جنبش های توده ای امروز با گذشته آن است که این توده ها وقتی وارد صحنه می شوند، دیگر افراد یکسان و یکنواخت و بی هویت نیستند. بلکه هم چون سوژه های خود رهان و یکه و در عین حال دریگانگی با اشتراکات خود برغم اختلافات و تمایزاتشان وارد صحنه می شوند و بهمین دلیل حکومت پذیر نیستند و خود قادرند که بطور مستقیم سرنوشت خود را به دست گیرند. آنها علیه حکومت ها و آن نوع سامانه هائی که بایک دست کردن آنها و به نام آنها حکومت می کنند، می شورند. بی تردید هیچ چیز خلق شده ای که بخواهد ظهور کند وجود ندارد. تنها زمینه ها و واقعیت و گرایشهای پیشرو تاریخی و چهار چوب های امکانات تاریخی هستند که در متن پراتیک و عمل اجتماعی میلیونها انسان خالق مردم سوژه گی هستند. هیچ جامعه کهنه زایمان بی درد و پراز کشاکش و افت و خیز را تجربه نکرده است. مردم در حین رهائی و پراتیک تغییر جهان خویشتن را می آفرینند و به امید ها و مطالبات و امیدها و آروزهای خود شکل می دهند.

حتی سمبل های عصر مردم سوژگی نیز، همانطور که تصویر تایمز بیانگر آن است با سوژه های قبلی متفاوت و بی نامن و نشان ترومات تراست. ندا آقازاده سلطان و آن جوان دستفروش تونسوی و یاجوان زندانی و شکنجه شده مصری و نظایر آنها سمبل های این جنبش جدید هستند. چنانکه در تجربه کشور خودمان در مورد ندا آقا سلطان شاهد بودیم.<sup>2\*</sup>

\*-

[http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2011/12/111215\\_141\\_time\\_cover\\_story\\_protesaters.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2011/12/111215_141_time_cover_story_protesaters.shtml)

\*-2

"اواسطوره و قهرمان نبود و مردم از میان خود، یکی از میلیونها خالق جنبش خود پوی خود، یکی هم چون خود را به عنوان نماد برگزیدند و بجای اسطوره ها نشاندهند. هرکس می تواند ندای باشد. یکی از انبوهه ها و یکی از بشماران. در اینجا شکاف پرنشدینی بین ابژه و سوژه وجود ندارد. آری اسطوره خود بی شماران است و در بیداری و خلاقیت تک تک آنها ندا از بی شماران بود و نمادی برای این بشماران است. در اینجا یگانی بین نماد و انبوهه و اسطوره و اسطوره سازان و جنبش و سمبل های آن خصلت ناماست."